

سورة الاحقاف

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم

فهرست مطالب

۷	قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در تعزیرات
۱۹	سعادت انسان در اندیشه امام سجاد(ع)
۴۷	بررسی معجزه از دیدگاه دیوید هیوم و نقد آن
۶۵	آزادی سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره) و فارابی
۸۳	اقدامات اقتصادی امام حسن عسکری(ع) جهت کسب درآمد
۱۰۵	فوائد فلسفه فقه
۱۲۱	راهکارهای گسترش حجاب در جامعه
۱۴۵	عوامل تهدید بنیان خانواده در قرآن و روایات
۱۶۹	مسئولیت کیفری اطفال در قوانین ایران، افغانستان و اسناد بین الملل
۱۸۵	آزادی، انواع و حدود آن از دیدگاه اسلام و اندیشمندان اسلامی
۲۲۵	غلبه دین حق بر تمام ادیان
۲۴۹	جریان شناسی تفسیر عرفانی در اندلس

سید محمد تقی موسوی^۱

چکیده

در قران کریم واحادیث نبوی وروایات رسیده از ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین آیات وروایات بسیار دلالت براین دارد که حضرت مهدی عجل الله ظهور خواهد نمود وحاکی از آنست که درنهایت صالحان وارث این زمین خواهند شد آیات بسیاری از قران کریم متضمن بیان این موضوعات است مثلا آیات ۳۳سوره توبه و آیه شماره ۹سوره صف تسلط دین اسلام را بر ادیان الهی دیگر را بیان می دارد. و آیه ۳۵سوره انفال متکفل بیان رفع فتنه از جهان است. این پژوهش به بررسی آیات وروایات دراین زمینه پرداخته است ودیدگاه مفسرین را در این موضوع مورد واکاوی قرار داده است ودرنهایت به این نتیجه دست یافته که حضرت مهدی موعود عجل الله وارث این زمین خواهد بود

کلید واژه:

مهدی، دین، غلبه، آیات وروایات، موعود.

۱. فارغ التحصیل سطح چهار فقه و اصول، کارشناسی ارشد علوم قران و حدیث جامعه المصطفی،

۱. مقدمه

مباحث آیات مهدوی از موضوعات مهم تفسیری است که به مباحث مختلف حکومت حضرت ولی عصر (عج) و ظهور آنحضرت و چگونگی حکومت حضرت مهدی (عج) بشارت داده است که آیات بسیاری از قرآن کریم متضمن بیان این موضوعات است مثلاً آیه ۱۰۵ سوره انبیاء (وعده حکومت بندگان صالح و مؤمنان نکوکار را بر زمین بیان می‌دارد، و آیه ۳۵ سوره انفال متکفل بیان رفع فتنه از جهان است.

این تحقیق بررسی آیات ۳۲ و ۳۳ از سوره توبه و آیه ۸ و ۹ از سوره صف و آیه ۲۸ از سوره فتح پرداخته است که تسلط دین اسلام بر ادیان الهی دیگر را بیان می‌دارد خداوند متعال در سوره توبه آیه ۳۲ میفرماید: *يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِمْ وَ يُأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ* (۳۲) آن‌ها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند و در آیه ۳۳ همین سوره می‌فرماید: *هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ* و ایضاً در سوره صف آیه ۸ خداوند متعال چنین بیان می‌دارد: *أَنَّا نَمِيحُ نَارَ الْكَاذِبِينَ وَ نَسْفَعُ بِالنَّارِ كُلِّ شَيْءٍ خَالٍ وَ خَالٍ وَ نَسْفَعُ بِالنَّارِ كُلِّ شَيْءٍ خَالٍ وَ خَالٍ وَ نَسْفَعُ بِالنَّارِ كُلِّ شَيْءٍ خَالٍ وَ خَالٍ* آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران خوش نداشته باشند! *يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ* (۸) و در آیه ۹ همین سوره *(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ* ص ۹) میفرماید: او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراحت داشته باشند و در سوره فتح آیه ۲۸ می‌فرماید: *هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً* فتح آیه ۲۸ او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز کند؛ و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد این آیات وعده ظهور و غلبه دین حق بر تمام ادیان داده شده است، وعده‌ای که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت و این تخلف‌ناپذیر است (صافی، ۱۳۹۱، ۹۱)

این آیات و آیات متعدد دیگر علاوه بر آنکه بر استقرار دین خدا در سراسر زمین و آینده درخشان عالم دلالت دارند، برحسب معتبرترین مدارک و تفاسیر و احادیث، به تحول بی سابقه و بی نظیر و انقلابی که به رهبری و قیام حضرت مهدی اهل بیت علیه السلام و امام منتظر و موعود انجام خواهد گرفت.

۲. مفهوم شناسی

واژه «یظهره» فعل مضارع از باب افعال است که وقتی همراه با «علی» می آید، به معنای «یغلبه» و «یعلیه» (غلبه و برتری دادن است) خداوند در این آیات اشاره می کند که دشمنان دین و حقیقت می خواهند نور خدا را خاموش کنند؛ در حالی که خداوند نور خود را کامل می کند و تلاش های آنان راه به جایی نمی برد. خداوند وقتی از اراده دشمنان برای خاموشی نور خدا و نابودی دین خبر می دهد، تنها از جلوگیری این اراده خبر نمی دهد و نمی گوید ما نمی گذاریم آنان نور خدا را خاموش کنند؛ بلکه از اتمام نور سخن می فرماید: ضمیر «ه» در «لیظهره» به دین برمی گردد؛ چرا که ظاهر عبارت غلبه دین است نه غلبه شخص (شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۲، ۱۱۱) و باید بین غالب و مغلوب تناسب و هم سنخی باشد. غلبه اسلام بر دیگر ادیان، هم از نظر منطق و استدلال است و هم از نظر غلبه عینی و عملی یعنی، روزی فرامی رسد که اسلام با پشتوانه عظیم معرفتی و آموزه هایی که دارد، بر همه ادیان غالب می شود و نفوذ ظاهری و حکومت دین مقدس اسلام بر جهان سایه می افکند و همه را تحت الشعاع خود قرار می دهد

محمد بن فضیل می گوید: «از امام کاظم علیه السلام درباره قول خداوند «لیظهره علی الدین کله» پرسید فرمود: «لیظهره علی جمیع الادیان عند قیام القائم (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۳۲/۱) پیروز می کند خدا دین اسلام را بر همه دین ها هنگام قیام قائم علیه السلام از این روایت استفاده می شود که مراد از پیروزی دین اسلام، پیروزی همه جانبه و حاکمیت این دین بر زمین است.

۳. بررسی آیه از دیدگاه مفسرین

۱-۳. تفسیر الامام الحسین علیه السلام التفسیر الأثري التطبیقي

در این تفسیر حدیث از امام حسین علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت میفرماید: از ما دوازده تا مهدی است که اول آن‌ها امیر امیر المومنین علی بن ابی طالب است و آخر آن‌ها نهمین فرزند از (نسل) من است که فرزند نهم بحق قیام می‌کند و خداوند تبارک و تعالی زمین را بوسطه آن قائم بحق زنده می‌کند بعد از آنکه زمین می‌میرد و برای آن حضرت غیبت است که گروهی بر آن حضرت شک می‌کنند و گروهی دیگر بردین خود ثابت می‌ماند در حدیث شیخ صدوق می‌نویسد: حدثنا أحمد بن زیاد بن جعفر الهمداني رضي الله عنه قال حدثنا إبراهيم بن هاشم عن أبيه عن عبد السلام بن صالح الهروي قال أخبرنا وكيع عن الربيع بن سعد عن عبد الرحمن بن سليل قال: قال الحسين بن علي بن أبي طالب عليهما السلام: منا اثنا عشر مهديا أو لهم أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام و آخرهم التاسع من ولدي، وهو القائم بالحق، يحيي الله تعالى به الأرض بعد موتها و يظهر به دين الحق على الدين كله و لو كره المشركون له غيبة يرتد فيها قوم و يثبت على الدين فيها آخرون (صدوق ۱۳۷۸: ۸۹/۱.. تفسیر امام حسین (ع) ۱۴۳۰: ۱۶۷)

۲-۳. تفسیر قمی

علی بن ابراهیم در تفسیر آیه ۳۳ از سوره توبه (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) میفرماید این آیه درباره قائم (عج) آل محمد (ص) نازل شده (- قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَأَنَّهَا نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (قمی، ۱۳۶۳: ۲۸۹/۱).

۳-۳. تفسیر فرات الكوفي

در این تفسیر درباره آیه ۳۳ از سوره توبه حدیث را از امام جعفر صادق (ع) نقل می‌کند که آن حضرت میفرماید: زمان که مهدی علیه السلام خروج کند هیچ کافر و مشرک باقی نمی‌ماند مگر اینکه کراهت داشته باشد خروج آنحضرت را اگر کافر و مشرک در داخل صخره باشد آن صخره فریاد می‌زند که در داخل من کافر است بیایید مرا بشکنید و او را بکشید (ح ۶۲۷: الصادق: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...)* إذا خرج القائم لم يبق مشرك... و لا كافر إلا كره خروجه حتى لو كان في بطن صخرة لقاتل الصخرة: يا مؤمن في مشرك فاكسرني و اقتله) كوفى، (١٤١٠: ٦٥٨)

٣-٤. تفسیر عیاشی

عیاشی در تفسیر آیه ٣٣ از سوره توبه مینویسد: هنگامیکه قائم (عج) خروج کند هیچ مشرک و کافر به خداوند عظیم باقی نمی ماند مگر اینکه مکروه داشته باشد خروج و قیام آنحضرت را («هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» قَالَ: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ مُشْرِكٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ - وَ لَا كَافِرٌ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ عِيَاشِي، تفسیر العیاشی، (١٣٨٠: ٨٧) عیاشی در تفسیر خود از ابوالمقدام از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که در تأویل آیه لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ یعنی خداوند او (امام زمان) را بر همه ادیان غالب می گرداند، هر چند مشرکین نخواهند فرمود: هیچ کس نمی ماند جز اینکه اقرار به خاتمیت محمد صلی الله علیه و آله می کند.

٣-٥. تفسیر مجمع البیان

صاحب مجمع البیان در تفسیر آیه مینویسد: «وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» یعنی با اکراه کافران. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ» یعنی محمد - صلی الله علیه و آله - را که رسالتهای خود را برای ابلاغ به امت بعهد او واگذار کرد. «بِالْهُدَى» یعنی بحجتها و دلایل و براهین. «وَ دِينَ الْحَقِّ» که همان اسلام باشد، و هر آنچه اسلام از احکام و دستورات دینی متضمن است که انجام دهنده اش مستحق ثواب است، و هر دینی جز آن باطل و موجب عتاب است. «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» یعنی تا دین اسلام را بوسیله حجت و غلبه بر تمام ادیان پیروز گرداند (برهانی، بی تا: ٧٥/١١) بدانگونه که در روی زمین دینی بجای نماند جز آنکه مغلوب دین اسلام گردد، و کسی نباشد که در حجت و برهان بر مسلمانان پیروز گردد، و اما از نظر غلبه ظاهری نیز چنان شد که هر دسته از مسلمانان بر ناحیه ای از نواحی مشرکان پیروز شدند کفار بنوعی مقهور آنان گشتند (منظور این است که این خبر قرآنی در خارج محقق شد و این خود یکی از معجزات قرآن است

چون قرآن خبر داده که اسلام بر تمام ادیان پیروز خواهد شد، و تا حدودی چنین هم شد اگر چه مسلمانان بر تمامی کشورهای مشرکان و کفار پیروز نشدند ولی در هر جا اسلام توانست بنوعی شرك و کفر را مقهور خود سازد، یهود را بنوعی و نصاری و مجوس را نیز بنوعی دیگر و بت پرستان را تا حدود زیادی مقهور خود ساخت، ولی تفاسیر دیگری که از این آیه شده و بخصوص در نظر ما تفسیری که امام باقر (ع) از این آیه کرده‌اند و آن را ناظر بر زمان ظهور حضرت مهدی (ع) دانسته‌اند دلچسب‌تر و بحقیقت نزدیکتر است و اللّٰه العالم.) و ضحاک گفته است: منظور زمان نزول عیسی بن مریم است که تمام پیروان ادیان مسلمان می‌شوند یا خراج و جزیه می‌دهند. و در روایت امام باقر علیه السلام است که فرمود: این جریان در زمان ظهور حضرت مهدی از آل محمد است که احدی روی زمین باقی نمی‌ماند جز آنکه به نبوت محمد - صلی اللّٰه علیه و آله - اعتراف کند. و همین قول را سدی نیز اختیار کرده است. (همان..)

۳-۶. تفسیر جلاء الأذهان و جلاء الأحران

حسن جرجانی در تفسیر جلاء الأذهان آیه ۳۳ از سوره توبه میفرماید: اوست آن خدای که محمد صلی اللّٰه علیه و آله که رافرستاد باقر آن که کتاب هدایت است با ادله و حجت و برهان و دین حق که همان اسلام باشد را ظاهر کند و غالب نماید بر همه ادیان گر چند مشرکان خوش نداشته باشند ابن عباس گفته است: معنی اینست که: تا خدای تعالی محمد (ص) را بر جمله شرایع اسلام مطلع گرداند چنانکه هیچ چیزی بر وی پوشیده نماند. ابو هریره و ضحاک گفتند: تا خدای تعالی دین حق را اظهار کند بر همه دینها و این در زمان نزول عیسی باشد از آسمان. و سدی گفته: این در زمان خروج مهدی باشد که همه دینها یکی گردد و هیچ کس نماند که در اسلام نیاید اّما بطوع و اّما بکره و از اهل البیت علیهم السلام همین روایت کرده‌اند.

کلبی گفته که: تاویل این آیه هنوز پدید نیامده است و خواهد بودن و قیامت نباشد تا آنکه که این پدید آید مقداد اسود از رسول صلی اللّٰه علیه و آله روایت کرد که او گفت: لا یبقی علی ظهر الأرض بیت و بر ولا مدر إلاّ أدخله اللّٰه کلمة الاسلام اّما بعزّ عزیز او بذلّ ذلیل اّما أن یعزّهم فیجعلهم اللّٰه من أهله فیعزّون به و اّما أن یدلّهم

فیدینون به.

بر پشت زمین هیچ خانه سفری و حضری نماند الا خدای تعالی کلمه اسلام بر آن وارد شود، اِنَّمَا بَعَثَ عَزِيزٌ يٰۤاٰمَنَّا خَدٰى تَعَالٰى اِيْشَانَ رَا بَتَوْفِيْقِ اِسْلَامٍ عَزِيزٌ كُنْدُ تَا بَطْوَعِ اِيْمَانٍ اَرْنَدُ وَاَزْ اَهْلٍ اَنْ شُوْنَدُ وَاَبْ اَنْ عَزِيزٌ گَرْدَنْدُ؛ يٰۤاٰمَنَّا كُنْدُ اِيْشَانَ رَا تَا گَرْدَنُ نَهْنَدُ حَقًّا رَا بَعْنَفُ. اَبُو سَلْمَهْ گَفْتُ: اَزْ عَايِشَهْ كَه: اَوْ گَفْتُ كَه: رَسُوْلُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ: كَه رُوْزْگَارِ بَسْرٍ نَشُوْدُ تَا مَرْدَمِ لَاتٍ وَاَعَزَّى رَا نِيْرَسْتَنْدُ گَفْتُ: مَن گَفْتُمُ: يٰۤاٰمَنَّا رَسُوْلُ اللّٰهُ مَن پَنْدَاشْتَمُ كَه: اِيْنِ نَبَاشُدُ پَسْ اَزْ اَنَكِهْ خَدٰى تَعَالٰى اِيْنِ اٰيْتِ فَرَسْتَادُ. لِيُظْهَرَهُ عَلٰى الدِّيْنِ كُلِّهِ وَاَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ. فَرَمُوْدُ: اِيْنِ بَاشُدُ مَدَّتِيْ چَنْدَانِ كَه خَدٰى تَعَالٰى خَوَاهَدُ اَنَكِهْ خَدٰى تَعَالٰى بَادِيْ خَوْشِ بَفَرَسْتَنْدُ هَر كَسِيْ رَا كَه دَر دَلِ اوْ مَثْقَالِ ذَرَّةٍ خَيْرٍ بَاشُدُ قَبْضٌ كُنْدُ تَا نَمَانْدُ اِلَّا اَنَانَكِهْ دَر دَلِ اِيْشَانَ خَيْرِيْ نَبَاشُدُ وَا مَرْدَمِ بَر گَرْدَنْدُ وَا بَا دِيْنِ پَدْرَانَ شُوْنَدُ.

بعضی دیگر گفتند: معنی آنست که تا این دین را بر همه ادیان اظهار کند و قوت و ظفر دهد بحجت تا دلیل و حجت این دین ظاهرتر باشد و دلیل او روشن تر، بهری دیگر گفتند: مراد اعزاز اسلام است تا اسلام چنان عزیز کند که بر هیچ مسلمان صغار و مذلتی نرود چنانکه بر اهل ذمت می رود از هوان و بذل جزیت بعضی دیگر گفتند: تا این دین را غلبه دهد بر ادیانی که پیرامون رسول بود از شرك و جهودی و ترسانی و دینهای ایشان منسوخ و مقهور کند. و از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که تأویل آیه هنوز فرو نیامده تا مهدی امت بیرون نیاید. (جرجانی، ۱۳۷۸: ۴)

(۶۱/)

۷-۳. منهج الصادقین فی إلزام المخالفین

در این تفسیر می نویسد: هُوَ الَّذِيْ اَوْسَتْ اَنْ خَدٰى تَعَالٰى كَه بَفَضْلِ شَامِلِ خَوْدِ اَزْ سَلِّ رَسُوْلُهُ فَرَسْتَادُ فَرَسْتَادَهْ خَوْدِ رَا كَه مُحَمَّدُ (ص) اِسْتِ بِاَلْهَدٰى بَقْرَانَ كَه مَحْضِ هِدَايْتِ اِسْتِ يٰۤاٰمَنَّا مَعْجَزَاتِ بَاهِرَهْ اَوْ وَاَدِيْنِ الْحَقِّ وَا بَدِيْنِ دَرَسْتِ كَه اِسْلَامِ اِسْتِ لِيُظْهَرَهُ تَا ظَاهِرِ سَازْدُ وَا غَالِبِ گَرْدَانْدِ دِيْنِ خَوْدِ رَا عَلٰى الدِّيْنِ كُلِّهِ بَرْ هَمِهْ دِيْنِهَا وَا جَمِيْعِ اِحْكَامِ اَنْ رَا مَنَسُوْخِ سَازْدُ وَا اِيْنَمَعْنٰى بَعْدَ اَزْ نَزُوْلِ عِيْسٰى وَا خُرُوْجِ مَهْدِيْ خَوَاهَدُ بُوْدُ كَه بَر

روی زمین جز دین اسلام نماند و لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ و اگر چه کراهت دارند مشرکان این صورت را و منع مشرکون در موضع کافرون بجهت دلالت است بر آن که یهود و نصاری ضم کرده اند کفر برسول را بشرک آوردن بخدا.

ابن عباس در تفسیر این آیه فرموده که حق تعالی محمد (ص) را بر جمله شرایع اسلام مطلع گردانید چنان چه هیچ چیز بر وی پوشیده نماند و قول اول اشهر و اکثر است و ماثور از اهل البیت علیهم السلام و در مجمع نیز آورده که قال ابو جعفران ذلك یكون عند خروج المهدي من آل محمد (ص) فلا یبقی احد الا اقر بمحمد (ص) و از کلبی نیز روایت است که تاویل این آیه هنوز بظهور نیامده و قیامت قائم نشود مگر بعد از ظهور غلبه دین اسلام بر جمیع ادیان و مقداد اسود روایت کرده که (لا یبقی علی وجه الارض بیت و بر و لا مدرا الا ادخله الله کلمة الاسلام اما بعز عزیز و اما بذل ذلیل اما یعزهم فیجعلهم الله من اهله فیعزوا به و اما ان یدلهم فیدینون له. (کاشانی، بی تا: ۴/ ۲۶۰)

۳-۸. تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم

در تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم (عصر ظهور المهدي (ع) عصر لظهور التأویل و ذلك لأن زمانه یقتضی ظهور التأویل علی ما هو علیه و ظهور الشریعة علی ما ینبغی و رفع المذاهب و الملل بحيث لا یبقی إلا مذهب واحد و دین واحد و هو دین محمد (ص) و مذهبه كما أشار إلیه الحق تعالی فی قوله: یُرِیدُونَ أَنْ یُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ یَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ یُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ، هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِینِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّینِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ [سورة التوبة: ۳۲-۳۳]. آملی، ۱۴۲۲: ۴۵۸) عصر ظهور مهدی را عصر ظهور برای تاویل آیه دانسته و مینویسد: این زمان ظهور شریعت است همه مذاهب و ملل و آیین از بین می رود فقط یک مذهب و یک دین باقی میماند و آن دین محمد و مذهب آن حضرت است. و خداوند در این باره میفرماید: آن ها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند! (توبه ۳۲) او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند! (۳۳ توبه) (مکارم شیرازی،

۹-۳. دیدگاه حضرت ایت الله العظمی صافی (ره) در تفسیر ۳۲ سوره توبه

کافران می خواهند نور خدا را با گفتمان جاهلانه خود خاموش کنند ولی خداوند نمی خواهد، مگر آنکه نور خود را به پایان برساند اگرچه کافران کراهت دارند». تلاش های دشمنان و منافقان نقش بر آب و نور خدا در اتمام و گسترش خواهد بود. (مکارم شیرازی، ترجمه قرآن همان) «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَيْنَا أَنْ نُبْرِئَهُمْ وَلَا كِرَّةَ الْكَافِرُونَ»؛ سوره توبه، آیه ۳۲.

۳-۹-۱. انتظار جامعه شیعه

مسلمانان عموماً و شیعیان خصوصاً منتظرند که سراسر گیتی را عدل و علم و توحید و ایمان و برابری و برادری فراگیرد و آن رهبری که وعده ظهور او در قرآن و صدها احادیث معتبر وارد شده است، ظاهر شود و آیین توحیدی اسلام را که در شرق و غرب جهان وارد شده است، ظاهر کرده و گسترش دهد، و امت واحد، حکومت واحد، قانون واحد، نظام واحد تمام افراد بشر را متحد، هم صدا، هم قدم و به هم پیوسته سازد. این عقیده به ظهور مصلح منتظر، حضرت مهدی موعود- چنان که در روایات به آن اشاره شده است- شیعه را در جریان زمان برای مقاومت در برابر صدمات و لطماتی که بر هر دعوتی وارد می شد و آن را متلاشی می کرد، پرورش داد و فکر شیعه را که فکر خالص اسلامی است، و جامعه شیعه را از زوال و انقراض نگاه داشت و تا امروز این فکر و این عقیده و ایمان عامل بقای شیعه و پایداری و استقامت اوست. با آن وضع جانگداز حکومت بنی امیه و بنی عباس روبرو شده بودند و تمام حیثیات و شؤون ظاهری و اجتماعی آنها لغا شده، و از همه مشاغل محروم، و در همه جا مورد تعقیب و زیر نظر جاسوسان حکومت قرار گرفته، و کمترین مجازات آنها زندان بود، تا مجازات های شدید از بریدن دست و پا و زبان و بینی، و شکنجه های غیر قابل تحمل دیگر. آن شیعیان، اگر منتظر و آینده بین نبودند و اعتقاد به پیروزی حق و عدالت، و شکست باطل و ستم نداشتند، با اینکه همه چیز را از دست رفته می دیدند، هرگز بر ایشان حال مقاومت باقی نمی ماند و همه حتی

در دل شکست خورده و تسلیم می‌گشتند و از دگرگون شدن اوضاع و عوض شدن و ورق خوردن صفحه تاریخ ناامید می‌گردیدند و ریشه هر نهضت و حرکت و پایداری در آن‌ها خشک می‌شد.

اما پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام وعده داده و قرآن مجید نیز بشارت داده است که این دین پایدار می‌ماند و این راه بسته نمی‌شود و این نزاع و نبرد حق و باطل، با غلبه ظاهری جباران تاریخ مانند یزید و ولید و زیاد و حجاج و هارون و دیگران پایان نمی‌پذیرد.

و پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و شهادت امیرالمؤمنین و سید الشهداء علیه السلام تا امروز ریشه تمام حرکات و نهضت‌های شیعه و مسلمین علیه باطل و استثمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه مبارزه حق و باطل تا پیروزی مطلق بوده است، که می‌بینیم همیشه از میان شکست‌ها، پیروزی‌هایی آشکار و در عین ذلت ظاهری، پرتو و شعاع عزت و سربلندی و آقایی نمودار شده و اراده‌ها و همت‌ها به حرکت و جنبش درمی‌آید و افراد با اراده و مصمم و متعهد وارد میدان می‌شوند؛ و هرچه دشمنان حق و عدالت، مسلمانان را می‌کشند و به زندان می‌اندازند و هرگونه شکنجه و عذابی را درباره آن‌ها اجرا می‌نمایند و آن‌ها را از اجرای قوانین اسلام و برقرار کردن شعائر دینی با زور و تطمیع باز می‌دارند و تعلیم و تربیتشان و مطبوعات و تبلیغات و تمام وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های گروهی را ضد اسلامی و منحرف کننده می‌سازند. در ایران، الجزایر، اندونزی، فیلیپین، اوگاندا، اتیوپی، فلسطین و نقاط دیگر باز هم مبارزه ادامه می‌یابد تا ملت‌هایی مثل ایران، الجزایر و اندونزی آزاد می‌شوند.

این است فلسفه بزرگ اجتماعی انتظار ظهور. و این است یکی از اسرار غیبت حضرت صاحب الامر - عجل الله تعالی فرجه - و از این جهت است که ثواب منتظرین مانند ثواب مجاهدین و بلکه شهیدان بدر و احد است.

و این است که از نظر یک فرد مسلمان در هر شرایط و اوضاع نامساعد و ناگواری که جلو بیاید، کار اسلام خاتمه یافته تلقی نمی‌شود و روز این دین به آخر نمی‌رسد. و این است همان فلسفه‌ای که در ادیان گذشته نیز مایه امیدواری پیروان آن‌ها و مشوق

آنان به استقامت و پایداری و مقاومت و جهاد بوده است. و در حقیقت، انتظار فلسفه محکم و استواری است که در تمام ادیان مورد توجه بوده و به آن عقیده داشته‌اند و از سنن و نوامیس ثابتی است که همه ادیان آسمانی در بقای خود از آن مایه گرفته‌اند و همه در انتظار آینده عالی‌تر و بهتر بوده‌اند و ظهور اسلام، این دین جامع، به تمام آن‌ها نوید داده شد؛ تا وقتی خورشید جهان تاب اسلام طلوع کرد و عالم و تمام پیروان ادیان از انتظار آن بیرون آمدند، در اسلام نیز که آخرین رسالت‌ها و ادیان است، مسأله انتظار، این فلسفه بزرگ در ظهور مصلح و منجی آخرالزمان و ولیّ دوران حضرت مهدی علیه السلام که در بیت رسالت و از فرزندان علی و فاطمه و حسن و حسین و نهمین فرزند حسین است، خلاصه شد. (صافی، بی تا: ۲، ۶۳)

۳-۹-۲. فلسفه انتظار عامل حیات در تمام ادیان

بنابراین - چنان‌که از بررسی‌های عمیق و دقیق در تاریخ و فلسفه ادیان و قرآن کریم و احادیث و روایات استفاده می‌شود - فلسفه انتظار مانند يك عامل و ماده حیاتی مهم در تمام ادیان آسمانی وجود داشته و رمز بقا و موجودیت آنان بوده است و اکنون هم از عوامل بقای جامعه مسلمین است. در ضمن، این انتظار است که دیدگاه وسیع و افق نظر بلند مسلمانان و مخصوصاً شیعیان را نشان می‌دهد؛ در حالی که بسیاری از مردم و ملل دیگر انتظار می‌برند که بر ملل دیگر مسلط شده و آن‌ها را استثمار نمایند. و در حالی که هر يك از شرق و غرب در انتظار روزی هستند که حریفشان از پا درآید و جهان مسخر هوی و هوسشان گردد. و در هنگامی که کمپانی‌های بازرگانی و حکومت‌های زیر نفوذ آن‌ها انتظار می‌کشند، دنیا بازار تجارت آن‌ها شود و بشر در عالم اقتصاد برده آن‌ها گردد. و در وقتی که گروه‌های بسیاری در جهان، امروز بی‌هدف در کنار کاباره‌ها و سینماها و تماشاخانه‌ها صف کشیده و دقیقه‌شماری می‌کنند و در انتظارند که در این اماکن فساد به رویش باز شود و به این ترتیب، هستی خویش را تباه می‌کنند. در این هنگام، مسلمان آگاه و روشن‌فکر و شیعه متعهد و مبارز، در انتظار روزی است که جهان به زیر پرچم حق و عدالت و توحید

و حکومت جهانی اسلام و احکام خدا درآید و تمام بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها نابود گردد و این فاصله‌های پوچ از میان خلق خدا برداشته شود. مسلمانان انتظار روزی را می‌کشند که فقر و بدبختی، و جهل و نادانی از سراسر جهان ریشه کن گردد و بینش و بصیرت جامعه، کامل و افراد صالح و رشید و دادگر، زمامدار و مصادر امور باشند، و اختلافات جغرافیایی و ملی و دینی، و سیاست‌ها و رژیم‌ها و مسلک‌های باطل از بین برود.

این بینش و مقصد و هدف و انتظار مسلمانان است که خیر و سعادت عموم، عصر آزادی، برابری همگان و آسایش و رفاه، علم و ترقی، و عدالت و نیک‌بختی را برای تمام افراد بشر خواهان است. این انتظار، شخص را متعهد و مسؤول می‌سازد که برای تحقق هدف‌های اسلام و عملی شدن برنامه‌های دین، بدون هیچ یأس و ضعف و سستی و ناامیدی، شب و روز کوشش نماید و فداکاری کند تا بلکه يك گام به سوی مقاصد متعالی اسلام جلو برود. این انتظار، شخص را محکم و مقاوم، بااراده، نفوذناپذیر، مستقل، شجاع و بلند همت می‌سازد. این انتظار، لفظ نیست؛ گفتن نیست؛ عمل است، حرکت است، نهضت و مبارزه و جهاد است، صبر و شکیبایی و مقاومت است. (صافی، ۱۳۹۱: ۶۳/۲)

۳-۱۰. تفسیر نور الثقلین

در تفسیر نور ثقلین از کتاب کمال الدین شیخ صدوق ره حدیثی را از امام جعفر صادق ع نقل می‌کند بِاسْنَادِهِ إِلَى أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَقَالَ: وَ اللَّهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَ لَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ، حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ: يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَأَكْسِرْنِي وَ اقْتُلْنِي. (حویزی، ۱۴۱۵: ۲۱۲/۲) هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، مشرک و کافری باقی نمی‌ماند. به طوری که اگر در داخل صخره‌ای باشد، صخره می‌گوید: «ای مؤمن! مشرکی در میان من است، مرا بشکن و او را بکش

۴. بررسی روایات

روایات بسیاری از ائمه علیهم السلام رسیده در تفسیر این آیات که پیروزی بر همه ادیان را بیان می‌دارد.

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: بی شك خداوند، اسلام را در هنگام قیام قائم علیه السلام بر همه ادیان پیروز می‌کند. (قندوزی، ۱۳۸۵: ۴۳۲)

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگام قیام قائم علیه السلام مؤمنان با یاری خداوند، خوشحال و شادمان می‌شوند». (همان، ۱۳۸۵: ۴۲۳)

۳- امام صادق علیه السلام درباره این آیه: وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً (سوره توبه، آیه ۳۶) از پدرش امام باقر علیه السلام روایت نمود: تأویل این آیه هنوز نیامده و اگر قائم علیه السلام قیام کند، کسی که او را درك کند، می‌بیند و می‌فهمد که تأویل این آیه چیست و حتماً دین محمد صلی الله علیه و آله می‌رسد به آن جایی که شب، بدان جا رسیده است. (همان/۴۲۳)

۴- ابن عباس درباره این آیه: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (سوره توبه، آیه ۳۳) گفت: «این اتفاق به وقوع نمی‌پیوندد؛ مگر اینکه تمام یهودیان، مسیحیان و مردم دیگر ادیان، مسلمان شده باشند. به طوری که گوسفند، گریه، گاو، شیر، انسان و مار، در کنار یکدیگر احساس امنیت می‌کنند و دیگر موش، کیسه‌ای را پاره نمی‌کند و جزیه از کفار برداشته می‌شود و صلیب‌ها شکسته می‌شوند و این فرموده خداوند است:

۵- لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (ینایع المودة همان). امام باقر علیه السلام درباره این آیه: اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا «بدانید که خداوند، زمین را پس از مرگش زنده می‌کند». فرمود: «خداوند، زمین را پس از مرگش به وسیله قائم علیه السلام زنده می‌کند و منظور خداوند از مرگ زمین، کفر اهل زمین است و کافر نیز مرده به حساب می‌آید». (صدوق، ۱۳۹۱: ۶۸۸/۲)

۶- ریان بن شعیب گفت: امام رضا علیه السلام فرمود: «ای ابن شعیب! اگر برای چیزی گریه‌ات گرفت، برای امام حسین علیه السلام گریه کن؛ زیرا او ذبح شد به

همراه هجده نفر از خاندانش که بر روی زمین، همانندی نداشته‌اند و آسمان‌های هفتگانه و زمین برای کشته شدنش، گریستند و ۴ هزار فرشته به زمین فرستاده شدند تا او را یاری کنند، اما او به آن‌ها اجازه این کار را نداد. آن فرشته‌ها، پریشان حال و غبارآلود در کنار قبرش هستند تا زمانی که قائم علیه السلام قیام کند و از یاران آن حضرت می‌باشند و شعارشان «یا ثارات الحسین علیه السلام» است. (صدوق، ۱۳۷۸: ۲۲۳/۱)

۷- امام صادق علیه السلام درباره این آیه: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (توبه، ۳۳) فرمود: «هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، مشرک و کافری باقی نمی‌ماند. به طوری که اگر در داخل صخره‌ای باشد، صخره می‌گوید: «ای مؤمن! مشرکی در میان من است، مرا بشکن و او را بکش. (قندوزی، همان.)

این احادیث در تفسیر این آیه حکایت از پیروزی دین اسلام بر ادیان دیگر رادارد این وعده الهی در زمان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی الشریف تحقق خواهد پیدا نمود عصر ظهور مهدی (ع) عصر برای ظهور تأویل است. بررسی نامه از دانشمندان اهل سنت مربوط به قیام حضرت حجت عجل در تفسیر نمونه

در این تفسیر مینویسد: گرچه کتابهای فراوانی به وسیله دانشمندان اهل سنت، و علمای شیعه پیرامون احادیث مربوط به قیام مهدی نوشته شده است، ولی به عقیده ما چیزی گویاتر و در عین حال فشرده‌تر از نامه‌ای که گروهی از دانشمندان "حجاز" در پاسخ یکی از سؤال کنندگان فرستاده‌اند نیست، لذا عین ترجمه آن را ذیلا از نظر روایات مربوط به قیام مهدی عجل چنان است که هیچ محقق اسلامی پیرو هر یک از گروه‌ها و مذاهب باشد نمی‌تواند "تواتر" آن را انکار کند. تا کنون کتابهای زیادی در این زمینه نوشته شده و نویسندگان آن‌ها متفقا صحت احادیث مربوط به مصلح جهانی یعنی "مهدی ع" را پذیرفته‌اند تنها افراد بسیار معدودی مانند "ابن خلدون" و "احمد امین مصری" در صدور این اخبار از پیامبر ص تردید کرده‌اند و قرائتی در دست داریم که انگیزه آن‌ها در این کار ضعف اخبار نبوده بلکه فکر می‌کردند روایات

مربوط به "مهدی" ع مشتمل بر مسائلی است که به سادگی نمی‌توان آن‌ها را باور کرد، یا بخاطر اینکه احادیث درست از نادرست را نتوانسته‌اند جدا کنند یا تفسیر آن را در نیافته‌اند.

در هر صورت لازم است قبل از هر چیز سؤال و جوابی را که اخیراً از طرف "رابطة العالم الاسلامی" کرده که زیر نفوذ افراطی‌ترین جناح‌های اسلامی "یعنی وهابیان" قرار دارد، نشر یافته، از نظر خوانندگان عزیز بگذرانیم، تا روشن شود مسئله ظهور مهدی ع در میان مسلمانان قولی است که جملگی بر آنند و به عقیده ما مدارك لازم در این رساله کوتاه آن چنان جمع‌آوری شده که هیچ کسی را یارای انکار آن نیست، و اگر وهابیان سختگیر نیز در برابر آن تسلیم شده‌اند بهمین دلیل است.

شخصی به نام "ابو محمد" از "کنیا" سؤالی در باره ظهور "مهدی منتظر (ع)" از "رابطة العالم الاسلامی"

کرده دبیر کل "رابطة" یعنی "محمد صالح القزاز" در پاسخی که برای او فرستاده است ضمن تصریح به این که "ابن تیمیه" موسس مذهب وهابیان نیز احادیث مربوط به ظهور مهدی ع را پذیرفته، متن رساله‌ای را که پنج تن از علمای معروف فعلی حجاز در این زمینه تهیه کرده‌اند برای او ارسال داشته است. در این رساله پس از ذکر نام حضرت "مهدی ع" و "محل ظهور او" یعنی مکه چنین می‌خوانیم "... به هنگام ظهور فساد در جهان و انتشار کفر و ستم، خداوند به وسیله او (مهدی ع) جهان را پر از عدل و داد می‌کند همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است...

و آخرین "خلفای راشدین دوازده‌گانه" است که پیامبر ص خیر از آن‌ها در کتب صحاح داده است. احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از صحابه پیامبر ص نقل کرده‌اند از جمله: عثمان ابن عفان، علی ابن ابی طالب، طلحة ابن عبید اله، عبد الرحمن ابن عوف، قره ابن اساس مزنی، عبد الله ابن حارث، ابو هریره، حذیفة ابن یمان، جابر ابن عبد الله، ابو امامه، جابر ابن ماجد، عبد الله ابن عمر، انس ابن مالک، عمران ابن حصین، وام سلمه. اینها بیست نفر از کسانی هستند که روایات مهدی را نقل کرده‌اند و غیر از آن‌ها افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند. سخنان فراوانی نیز از خود صحابه نقل شده که در آن بحث از ظهور مهدی ع به میان آمده که آن‌ها

را نیز می‌توان در ردیف روایات پیامبر ص قرار داد. زیرا این مسئله از مسائلی نیست که با اجتهاد بتوان چیزی پیرامون آن گفت (بنا بر این آن‌ها نیز طبعاً این مطلب را از پیامبر ص شنیده‌اند). سپس اضافه می‌کند: هم احادیث بالا که از پیامبر ص نقل شده و هم شهادت و گواهی صحابه که در اینجا در حکم حدیث است در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث اعم از "سنن" و "معاجم" و "مسانید" آمده است. از جمله.

سنن ابو داود، سنن ترمذی، ابن ماجه، ابن عمر و الدانی، مسند احمد و ابن یعلی، و بزاز، و صحیح حاکم، و معاجم طبرانی (کبیر و متوسط) و رویانی، و دارقطنی، و ابو نعیم در "اخبار المهدی" و خطیب در تاریخ بغداد، و ابن عساکر در تاریخ دمشق، و غیر اینها. بعد اضافه می‌کند: بعضی از دانشمندان اسلامی در این زمینه کتابهای مخصوصی تالیف کرده‌اند از جمله:

"ابو نعیم" در "اخبار المهدی"، "ابن حجر هیثمی" در "القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر"، "شوکانی" در "التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح"، "ادریس عراقی مغربی" در کتاب "المهدی"، "ابو العباس ابن عبد المؤمن المغربی" در کتاب "الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون". و آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی نگاشته مدیر دانشگاه اسلامی مدینه است که در چندین شماره در مجله دانشگاه مزبور بحث کرده است.

باز اضافه می‌کند: عده‌ای از بزرگان و دانشمندان اسلام از قدیم و جدید نیز در نوشته‌های خود تصریح کرده‌اند که احادیث در زمینه مهدی در سر حد تواتر است (و به هیچ وجه قابل انکار نیست) از جمله:

"السخاوی" در کتاب "فتح المغیث"، "محمد ابن احمد سفاوی" در "شرح العقیده"، "ابو الحسن الإبری" در "مناقب الشافعی"، "ابن تیمیه" در کتاب فتاویش، "سیوطی" در "الحاوی"، "ادریس عراقی" در تالیفی که در زمینه مهدی دارد، "شوکانی" در کتاب "التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر" ... "محمد جعفر کنانی" در "نظم التناثر"، "ابو العباس ابن عبد المؤمن" در "الوهم المکنون" ... "در پایان بحث می‌گوید: (تنها) ابن خلدون است که خواسته احادیث مربوط به مهدی

را با حدیث بی اساس و معجولی که می گوید: " لا مهدی الا عیسیٰ " مهدی جز عیسیٰ نیست، مورد ایراد قرار دهد، ولی بزرگان پیشوایان و دانشمندان اسلام گفتار او را رد کرده اند، به خصوص " ابن عبد المؤمن " که در گفتار او کتاب ویژه ای نوشته است که سی سال قبل در شرق و غرب انتشار یافته.

حفاظ احادیث و بزرگان دانشمندان حدیث نیز تصریح کرده اند که احادیث مهدی ع مشتمل بر احادیث " صحیح " و " حسن " است و مجموع آن متواتر می باشد. بنا بر این اعتقاد به ظهور مهدی (بر هر مسلمانی) واجب است، و این جزء عقاید اهل سنت و جماعت محسوب می شود و جز افراد نادان و بیخبر یا بدعت گذار آن را انکار نمی کنند!

مدیر اداره مجمع فقهی اسلامی محمد منتصر کنانی و در حدیث رسول گرامی درباره این آیه اشاره می کند و می فرماید: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، همانا خداوند آن روز را آن قدر طولانی کند تا مردی از اهل بیت من خروج نماید که زمین را از عدل پر می کند؛ همانگونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (مکارم شیرازی، ۳۷۷/۱۳۷۱)

پاسخ به پرسش حدیث لولم یبق من الدنیا الا یوم واحد
این حدیث که می گوید اگر یک روز از عمر دنیا مانده باشد، آن قدر آن روز طولانی می شود که امام زمان (عج) ظهور می کند، چگونه با بحثهایی که می گویند امام زمان (عج) سالهای طولانی حکومت می کند سازگار است؟ پس بحث رجعت چه می شود؟ اینکه زمینی که به صالحان به ارث می رسد فقط برای یک روز حکومت است و...؟

پاسخ از این پرسش

روایت های گوناگون و فراوانی از پیامبر (ص) نقل شده است که می فرماید: «والذی بعثنی بالحق بشیراً لولم یبق من الدنیا الا یوم واحد، لطول الله ذلک الیوم حتی ینخرج فیه ولدی المهدی، فینزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه، و تشرق الارض بنور ربها، ویبلغ سلطانه المشرق والمغرب»؛ «با سوگند به خدایی که مرا بحق و بشارت دهنده برانگیخت، اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن

روز را آن قدر طولانی خواهد ساخت تا فرزندم مهدی (عج) در آن روز ظهور کند. آن گاه عیسی بن مریم از آسمان فرود می‌آید و به امامت او نماز می‌گزارد و زمین به نور پروردگارش نور باران می‌گردد و حکومت او به شرق و غرب گیتی گسترش می‌یابد و زمین و زمان در قلمرو عدالت و قدرت او قرار می‌گیرد» (مجلسی، بی تا: ۵۱، ۷۱) از مجموع روایات رسول مکرم اسلام، چندین نکته مهم و اساسی به دست می‌آید:

۱- از این روایات به خوبی روشن می‌گردد که پیامبر (ص) به منظور تأکید بر واقعیت ظهور منجی موعود و به جهت تثبیت این حقیقت اساسی و عقیدتی مهدویت، به خدا سوگند یاد می‌کند و بارها می‌فرماید: «والذی بعثنی بالحق بشیراً» و «والذی نفسی بیده» و... این سوگندها به منظور استوار ساختن واقعیت ظهور قائم آل محمد (ص) است.

۲- پیامبر گرامی خدا، به این هم بسنده نمی‌کند و می‌فریاد: «اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی باشد...» و بدین وسیله این واقعیت را مورد تأکید قرار می‌دهد که این وعده خدا قطعی و شدنی است و هیچ تردیدی در آن روا نیست و اگر از عمر جهان یک روز بیشتر باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می‌سازد و به طور قطع امام مهدی (عج) ظهور می‌کند.

این تفسیرها و سوگندها، بیانگر نهایت درجه تأکید بر این موضوع حساس و حیاتی است که در روایات آمده است.

نه اینکه روز قیام بناچار یک روز خواهد بود. بر این اساس تأکید فراوان رسول خدا بر این امر، به جهت ایجاد امید و یقین به آینده روشن است که با ظهور یکی از فرزندان رسول خدا (ص) تحقق می‌یابد و این امری حتمی و ضروری است.

۳. از طرف دیگر در روایات فراوانی، نحوه حکومت و حاکمیت حضرت مهدی و مدت حضور ایشان نیز بیان شده است، یعنی در آنها مشخص گردیده که امام یقیناً مدت‌های زیادی (بین ۷۰ تا ۳۰۰ سال) بین مردم حضور خواهند داشت و در کنار آن‌ها زندگی خواهند کرد. این تفسیر واقعی و وحیانی از عصر ظهور و مدت حضور امام زمان است.

۴. در همین روایتی که از رسول خدا نقل گردیده گویا به پرسشش مورد نظر نیز پاسخ داده شده است زیرا آن حضرت می فرماید: آن روز چنان طولانی خواهد شد که حضرت مهدی ظهور خواهد نمود و حتی عیسی هم نزول کرده و پشت سر او نماز خواهد خواند. در آن روز امام مهدی (عج) بر دنیا چیره شده و عدل و داد را حاکم خواهد ساخت و....

در روایتی نیز آمده است که امام مهدی (عج) هفت سال در بین شما خواهد بود که هر سال آن برابر با ده سال شما خواهد بود.

. این گونه نگرش به آینده، نشأت گرفته از قدرت الهی و حاکمیت مطلق او بر زمین و زمان است. شما می دانید که در نیم کره شمالی، مردم گاهی چندین ماه در شب یا روز زندگی می کنند و این امر عجیبی به حساب نمی آید. پس به فرض، اگر یک روز مانده به قیامت امام زمان ظهور فرماید آن روز چنان طولانی خواهد بود که امام همه کارهای اصلاحی خود را انجام خواهد داد. (کارگر، ۱۳۹۸ مهدویت پیش از ظهور)

روایاتی که مبین اسامی ائمه معصومین (ع) و بشارت دهنده دین اسلام بر باقی ادیان است

۱- جابر بن عبد الله انصاری می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام حسین علیه السلام فرمود: «ای حسین! از نسل تو نه نفر از امامان خواهند آمد که مهدی این امت از آنان است. هرگاه پدرت شهید شود، حسن علیه السلام بعد از اوست، وقتی حسن علیه السلام مسموم شد، پس از او، تو هستی، هنگامی که شهید شدی، علی علیه السلام فرزندت خواهد بود، هنگامی که علی علیه السلام شهید شد، محمد پسرش خواهد آمد، وقتی محمد شهید شد، جعفر علیه السلام پسرش خواهد آمد، هنگامی که جعفر علیه السلام شهید شد، فرزندش موسی علیه السلام خواهد آمد، هنگامی که موسی علیه السلام شهید شد، فرزندش علی علیه السلام خواهد آمد، هنگامی که علی علیه السلام شهید شد، فرزندش محمد علیه السلام خواهد آمد، هنگامی که محمد علیه السلام شهید شد، فرزندش علی علیه السلام خواهد آمد، هنگامی که علی علیه السلام شهید شد، فرزندش حسن علیه السلام خواهد آمد، هنگامی که حسن علیه السلام شهید شد، فرزندش حسن علیه السلام

خواهد آمد و هنگامی که حسن علیه السلام شهید شد، فرزندش مهدی قائم علیه السلام خواهد آمد و زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد، چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد». (کفایة الاثر، همان: ۶۱)

۲- امام علی بن ابی طالب علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید که ایشان فرمودند: «ای علی! من آن را به تو واگذار می‌کنم، تو به پسر ت حسن علیه السلام واگذار می‌کنی، او به برادرش حسین علیه السلام واگذار می‌کند، او به پسرش علی علیه السلام، او به پسرش محمد، او به پسرش جعفر علیه السلام، او به پسرش موسی علیه السلام، او به پسرش علی علیه السلام، او به پسرش محمد او به پسرش علی علیه السلام، او به پسرش حسن علیه السلام و او به پسرش قائم آل محمد: واگذار خواهد کرد. سپس بنابر خواست خداوند، امامشان از آن‌ها غایب می‌شود و دو غیبت دارد که یکی از آن دو، طولانی‌تر از دیگری است». سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما روی نمود و در حالی که صدایش را بلند کرده بود، فرمود: «پرهیز کنید! پرهیز کنید و تقوای الهی را در پیش گیرید، هنگامی که پنجمین فرزند از هفتمین فرزندم غایب شد». امام علی علیه السلام فرمود: «ای رسول خدا! بعد از غیبت او چه می‌شود؟» فرمود: «صبر می‌کند تا خداوند به او اجازه ظهور دهد؛ سپس از یمن، از روستایی به نام کرعه خارج می‌شود، عمامه‌ای همچون عمامه من بر سر دارد و شمشیر ذوالفقار مرا حمل نموده و ندا داده می‌شود: این مهدی علیه السلام است، خلیفه خدا؛ پس از او پیروی کنید. او زمین را پر از قسط و عدل می‌کند، همان گونه که از ظلم و جور آکنده شده و این هنگامی است که دنیا پر از هرج و مرج شود و عدّه‌ای، عدّه‌ای دیگر را غارت کنند و عدّه‌ای بر عدّه‌ای دیگر حسرت خورند. در آن زمانه، بزرگ به کوچک و قوی به ضعیف، رحم نمی‌کند و این موقع است که خداوند به او اجازه ظهور می‌دهد». (کفایة الاثر: همان)

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «تو وارث علم، معدن حکمت و امام بعد از من هستی؛ پس هنگامی که شهید شدی، پسر ت حسن علیه السلام، هنگامی که او شهید شود، پسر ت حسین علیه السلام و هنگامی که او شهید شود، پسرش علی علیه السلام که او [قائم علیه السلام] را یکی از نه نفر از

نوادگان حسین علیه السلام می‌دانند». امیر مؤمنان علیه السلام گفت: «ای رسول خدا! اسامی اینها چیست؟» فرمود: «علی علیه السلام، محمد، جعفر علیه السلام، موسی علیه السلام، علی علیه السلام، محمد، علی علیه السلام، حسن علیه السلام و مهدی علیه السلام که از صلب حسین علیه السلام هستند (صافی، بی تا: ۱۷۹/۴) و خداوند بوسیله مهدی علیه السلام زمین را پر از قسط و عدل می‌کند، چنان‌که از جور و ظلم پر شده باشد» (کفایه الاثر، ۱۴۰۱: ۱۶۶)

۴- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر از دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن را طولانی می‌کند تا مردی از اهل بیت من زمامداری کوه‌های دیلم و قسطنطنیه را در دست بگیرد». (هندی، ۱۴۰۱: ۳۰/۶)

۵- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «زمین قطعاً پر از ظلم و جور و دشمنی می‌شود، سپس مردی از اهل بیت من خروج می‌نماید تا هنگامی که آن را از عدل و داد پر می‌نماید، همان‌طور که پر از ظلم و دشمنی شده است» (قندوزی، همان: ۱۸۶)

۶- امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «به زودی، خداوند گروهی را می‌آورد که آن‌ها را دوست می‌دارد و آن‌ها نیز خداوند را دوست دارند و کسی که در میان آن‌ها غریب است، زمامداری می‌کند و او مهدی علیه السلام است که صورت او قرمز رنگ است و در موی او سرخی‌ای (یا سرخی توام با سفیدی) وجود دارد. او زمین را بدون سختی از عدل و داد پر می‌کند، در سن کودکی از پدر و مادرش گرفته می‌شود و در خاندان و وطنش عزیز می‌باشد. پس در شهرهای مسلمانان، به امن و امان زمامداری می‌کند. زمانه برای او پاک و خالص می‌شود و کلام او شنیده و اطاعت می‌شود و بزرگان و جوانان از او اطاعت می‌کنند. او زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان‌طور که پر از ظلم و جور شده است، پس در این هنگام، امامت او کامل می‌شود و خلافت او استقرار می‌یابد. (صافی، همان: ۲۱۲/۴) خداوند، مردگان را برمی‌انگیزاند، پس صبح نمی‌کند، مگر اینکه خانه‌های خودشان را می‌بینند و زمین، آباد و خالص می‌شود و به مهدی خود می‌نازد و به سبب او، آب در رودهای زمین جریان می‌یابد و فتنه‌ها و غارت‌ها نابود می‌شوند و خیر و برکت‌ها زیاد می‌گردند». (قندوزی، همان: ۴۶۷/۰)

۷- رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث طولانی فرمود: «در آن هنگام مهدی علیه السلام ظهور می کند و او مردی از نوادگان این شخص است. (به امیرالمؤمنین اشاره کرد) (صافی، همان: ۲۱۶/۴)

۵. جمع بندی

۱- در بسیاری از تفاسیر شیعه و سنی و کتب روایی فریقین بشارت داده شده بر تسلط دین اسلام بر ادیان دیگر و ظهور منجی عالم بشریت مهدی موعود عج الله فرجه الشریف.

۲- در قرآن کریم آیات ۳۲ و ۳۳ از سوره توبه و آیه ۸ و ۹ از سوره صف و آیه ۲۸ از سوره فتح تسلط دین اسلام بر ادیان الهی دیگر را بیان می دارد

۳- در این آیات وعده ظهور و غلبه دین حق بر تمام ادیان داده شده است، وعده ای که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت و این تخلف ناپذیر است

۴- مسأله انتظار، این فلسفه بزرگ در ظهور مصلح و منجی آخرالزمان و ولی دوران حضرت مهدی علیه السلام که در بیت رسالت و از فرزندان علی و فاطمه و حسن و حسین و نهمین فرزند حسین است، خلاصه شد

۵- فلسفه انتظار مانند یک عامل و ماده حیاتی مهم در تمام ادیان آسمانی وجود داشته و رمز بقا و موجودیت آنان بوده است و اکنون هم از عوامل بقای جامعه مسلمین است.

۶- مسلمانان انتظار روزی را می کشند که فقر و بدبختی، و جهل و نادانی از سراسر جهان ریشه کن گردد و بینش و بصیرت جامعه، کامل و افراد صالح و رشید و دادگر، زمامدار و مصادر امور باشند، و اختلافات جغرافیایی و ملی و دینی، و سیاست ها و رژیم ها و مسلک های باطل از بین برود.

۷- در اکثر از تفاسیر این روایت آمده بود که تاویل این آیه هنوز بظهور نیامده و قیامت قائم نشود مگر بعد از ظهور غلبه دین اسلام بر جمیع ادیان

۸- عده ای از بزرگان و دانشمندان اسلام از قدیم و جدید نیز در نوشته های خود

تصریح کرده‌اند که احادیث در زمینه مهدی در سر حد تواتر است (و به هیچ وجه قابل انکار نیست) از جمله

۹- روایاتی که مبین اسامی ائمه معصومین (ع) و بشارت دهنده دین اسلام بر ادیان دیگر است که اکثر این روایات را از رسول گرامی اسلام نقل نموده است.

۶. منابع

قرآن کریم

۱. آملی، حیدر بن علی، ۱۴۲۲ ه. ق. تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم، نور علی نور - ایران - قم، چاپ: ۳،
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۸ ق عیون أخبار الرضا علیه السلام، نشر جهان - تهران، چاپ: اول.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی ۱۴۱۸ ق / ۱۳۷۶ ش. کمال الدین و تمام النعمة، اسلامیه - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۹۵ ق.
۴. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، بی تا، الغیبة (للنعمانی) / ترجمه غفاری، ۱ جلد، نشر صدوق - تهران، چاپ: دوم
۵. تفسیر الامام الحسین علیه السلام التفسیر الاثری التطبیقی، ۱۴۳۰ ه. ق. العتبة الحسينية المقدسة، قسم الشؤون الفكرية و الثقافية - عراق - کربلاى معلی، چاپ: ۱
۶. جرجانی، حسین بن حسن، ۱۳۷۸ ه. ق. جلاء الأذهان و جلاء الأحزان (تفسیر گازر)، دانشگاه تهران - ایران - تهران، چاپ: ۱
۷. حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ه. ق تفسیر نور الثقلین، اسماعیلیان - ایران - قم، چاپ: ۴،
۸. خزاز رازی، علی بن محمد، ۱۴۰۱ ق. کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثني عشر، بیدار - قم،
۹. رحیم کارگر، نشر معارف، ۱۳۹۸ ش، امام مهدی (از تولد تا ظهور)، دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاه) تهران

۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، فراهانی - ایران - تهران، چاپ: ۱.
۱۱. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ه. ق. تفسیر العیاشی مکتبه العلمیه الاسلامیه - ایران - تهران، چاپ: ۱،
۱۲. صافی لطف الله ۱۳۹۱ ش گفتمان مهدویت دفتر نشر آثار حضرت آیه الله العظمی صافی گلپایگانی : قم سال چاپ: نوبت چاپ: پنجم
۱۳. قمی، علی بن ابراهیم،، ۱۳۶۳ ه. ش. تفسیر القمی دار الکتب - ایران - قم، چاپ: ۳
۱۴. قندوزی حنفی ۱۳۸۵ ه ینایع المودّة: سلیمان بن ابراهیم، قم.
۱۵. کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ ه. ق. تفسیر فرات الکوفی، وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، مؤسسة الطبع والنشر - ایران - تهران، چاپ: ۱
۱۶. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، کتابفروشی اسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱، ۱۳ ه. ش.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۲۹. ق. الکافی (ط - دارالحدیث)، دار الحدیث - قم، چاپ: اول،
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ ه. ش. تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱۰،
۱۹.، ترجمه قرآن (مکارم)، ۱۳۷۳ ش دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی - ایران - قم، چاپ: ۲،
۲۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی،، ۱۳۷۸ ش. مهدی موعود (ترجمه بحار الأنوار)، ۱ جلد، اسلامیة - تهران، چاپ: بیست و هشتم
۲۱. متقی هندی، علی بن حسام الدین، ۱۴۰۱ ق. منتخب کنز العمال فی سنن الأقال و الأفعال، محقق، بکری حیانی، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ پنجم،